

ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر

در کیفرگذاری کودکان جزایی افغانستان با تأکید بر جرائم فساد اداری

محمد اقبال حقیار^۱

سید باقر محمدی^۲

چکیده

رعایت فرایندی که بر مبنای آن قانون‌گذار بتواند به اهداف مجازات دست یابد، بسیار پیچیده است. مدل کیفرگذاری هدفمند در تلاش است تا قلمرو مداخله کیفری را تعیین نموده، امکان حضور و زیست سایر ابزارها و نهادهای کنترل اجتماعی را مهیا سازد و مبنای و اصول مخصوص خود را معرفی کند. مبنای این مدل شامل مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر و مبنای ترجیح قطعیت بر شدت مجازات است. تجمع توأمان اهداف مجازات به صورت کامل در یک یا چندگونه از مجازات، امری است که در عمل امکان تحقق ندارد؛ یعنی نمی‌توان چهار هدف ارباب، سزادهی، اصلاح و ناتوان‌سازی را با یک یا حتی چند مجازات به صورت هم‌زمان تأمین کرد که در مدل کیفرگذاری هدفمند، همین عدم تحقق هم‌زمان اهداف مجازات تحت عنوان مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر مطرح است. در این اثر چگونگی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در کودکان جزایی افغانستان از منظر مدل مزبور با تأکید بر جرائم فساد اداری، مورد ارزیابی قرار گرفته و نشان داده شده است که مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در ۱۳ گفتار رعایت نشده است. در نهایت این اثر پیشنهاد دارد جهت تعدیل کودکان مزبور ضمن رعایت یافته‌های این تحقیق به رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در سایر بخش‌های کودکان نیز دقت صورت گیرد.

کلیدواژگان: مبنای جمع‌ناپذیری، اهداف کیفر، اهداف مجازات، کیفرشناسی، کودکان جزا، فساد اداری.

۱. ماستری جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی-واحد افغانستان.

۲. گروه فقه قضایی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

مقدمه

کیفرگذاری غیر معیاری و عدم موجودیت مبانی مبتنی بر یک مدل کیفرگذاری هدفمند در خصوص روند کیفرگذاری در کود جزای افغانستان، مخصوصاً در مورد جرائم فساد اداری را می‌توان از جمله چالش‌های موجود در دستیابی به اهداف مجازات‌ها تلقی کرد. به این ترتیب، صرف کیفرگذاری و به کیفر رساندن بزه‌کاران کافی نیست، بلکه چگونگی کیفر از حیث نوع و میزان بیش از اصل کیفر اهمیت دارد، چراکه کم نیستند افرادی که به واسطه مجازات بزه‌کارتر شده‌اند.

تقریباً تمامی رفتارهایی را که کود جزا آن‌ها را جرم دانسته است، مجازات آن‌ها را حبس با جزای نقدی و در مواردی حبس و یا جزای نقدی مقدر نموده است و این ظاهراً بیانگر آن است که قانون‌گذار در پی هدف مشخص نیست؛ زیرا هدف متوقعه از مجازات حبس با هدف متوقعه از جزای نقدی متفاوت بوده و به این مهم اشاره دارد که تعیین مجازات‌ها هدفمند نبوده است. از آنجایی که ارزیابی کلی و همه‌جانبه کود جزا در این اثر ممکن نیست، نگارنده تلاش نموده رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر را در کود جزا با تأکید بر جرائم فساد اداری، از منظر مدل کیفرگذاری هدفمند مورد ارزیابی قرار دهد. کیفرگذاری هدفمند به معنای سیاست‌گذاری در زمینه مجازات‌ها، اعم از نظر نوع و میزان، مبتنی بر یک منطق قابل پیش‌بینی و قاعده‌مند است و آموزه‌های علمی کیفرشناختی و جرم‌شناختی در آن نقشی پررنگ دارند.

در ارتباط به این که جرائم فساد اداری چیست، تازمانی که تعریف دقیق از جانب قانون‌گذار نداشته باشیم، نمی‌توانیم یک جرم را از نوع جرم فساد اداری بدانیم، بر این اساس نیاز است به اسناد تقنینی مراجعه گردد. در قانون مبارزه با فساد اداری آمده است: «ارتکاب جرائم مندرج فصول اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم، هشتم، دهم، یازدهم و دوازدهم با چهارم، فصل اول با پنجم، فصل دوم با ششم، فصول دوم و ششم باب نهم و فصل چهارم باب دهم کتاب دوم کود جزا، جرائم فساد اداری شناخته می‌شود» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۷، ماده ۵).

در مورد اهمیت بحث از فساد اداری باید اشاره کرد که در نظام سابق، دوسوم

افغان‌ها به این باور رسیده بودند که فساد اداری یکی از مشکلات جدی کشور است و این باور در میان مردم رو به گسترش بود؛ چنان‌که آمار کسانی که فساد اداری را مشکل جدی می‌پنداشتند از ۴۸٪ در سال ۱۳۹۷ به ۶۰٪ در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت. به همین ترتیب، میزان شهروندانی که باور داشتند در طول سال‌های گذشته اقدامات مؤثری برای کاهش فساد اداری در نهادهای عامه صورت گرفته است، پس از ۱۳۹۷ اُفت شدیدی داشته است. بر نسبت ۷۷٪ شهروندانی که در سال ۱۳۹۷ اعتقاد داشتند فساد اداری تا حدی یک مشکل جدی است، افزوده شده و به ۸۴٪ در سال ۱۳۹۹ رسیده بود. در عین وقت کسانی که فساد اداری را اصلاً جدی نمی‌دانستند از ۱۱٪ در سال ۱۳۹۷ به ۴٪ کاهش یافته بود (دویت و ادیب، ۱۴۰۰، ص ۲۰).

از سوی دیگر، با توجه به این‌که اهداف مجازات در راستای مبارزه مؤثر و مثمر با جرائم، فوق‌العاده مهم است و از سوی دیگر فساد اداری ارتباط بسیار نزدیکی با سایر جرایم دارد و زمینه را برای ارتکاب آن‌ها هموار می‌سازد، در این تحقیق، به ارزیابی عملی مبنای کیفی‌گذاری در کود جزا با تأکید بر جرائم فساد اداری، از منظر مدل کیفی‌گذاری هدفمند پرداخته شده است.

تجمیع توأمان اهداف مجازات به صورت کامل در یک یا چند گونه از مجازات‌ها امری است که در عمل امکان تحقق ندارد، یعنی نمی‌توان چهار هدف ارباب، سزادهی، اصلاح و ناتوان‌سازی را با یک یا حتی چند مجازات به صورت هم‌زمان تأمین کرد. هرچند ممکن است هم‌زمان دو یا چند هدف با یکدیگر به طور نسبی محقق شوند، اما تجمیع اهداف چهارگانه مجازات به طور کامل ناممکن است. علت این وضعیت تناقض ذاتی اهداف مجازات با یکدیگر است. البته بین اهداف مجازات از حیث قابلیت تجمیع وضعیت یکسانی وجود ندارد و بعضی از آن‌ها به میزان زیادی در کنار هم قابل تحقق هستند؛ مانند تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی. اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است. در این میان، عدم امکان جمع اصلاح بزهکار با هر یک از اهداف دیگر بارز است، به این معنا که برای دستیابی به هدف بازپروری به طور قطع

باید از جنبه‌های دیگر صرف نظر کرد و نمی‌توان هم خواستار اصلاح مجرم بود و هم ارباب یا سزاده‌ی یا ناتوان‌سازی را در نظر داشت. به صورت کم‌رنگ‌تر بین سزاده‌ی با دیگر اهداف مجازات تناقض وجود دارد، چنانکه سزاده‌ی رویکردی رو به گذشته، استحقاق محور و وظیفه‌گرا دارد، اما دیگر اهداف مجازات رویکردی رو به آینده، فایده‌محور و غایت‌گرا دارند.

با پذیرش پیش فرض جمع‌ناپذیری اهداف مجازات، باید به نقطه‌ای که بیشترین درجه از جمع اهداف قابل تحقق است اندیشید و با تلفیق مجازات‌ها به این مهم دست یافت. اما در صورت عدم امکان دستیابی به چند هدف و تناقض یک هدف با اهداف دیگر، چاره‌ای جز انتخاب یک هدف از میان اهداف چهارگانه به عنوان اولویت اجرای کیفر نیست. به این ترتیب، قانون‌گذار باید پس از احراز ضرورت توسل به کیفر، مقدّم بر هر امر دیگر هدف خود را از کیفر مشخص کند. درواقع، باید مشخص شود کدام یک از اهداف چهارگانه ارباب، اصلاح، ناتوان‌سازی و سزاده‌ی از مجازات مورد انتظار است. بنابراین، در صورت امکان، کیفرگذاران باید تمام همت خود را برای دستیابی به حداکثر اهداف ممکن به کارگیرند و در مواردی که دستیابی به دو غایت ممکن نیست و تحقق یک هدف منجر به نقض هدف دیگر می‌شود باید غایت اصلی از مجازات را مشخص کنند و با توجّه به آن، به اعمال کیفر پردازند. نباید در این موارد با تمامیت‌خواهی‌های کور، هدف مهم‌تر را قربانی کیفرهای کلیشه‌ای کرد که ناقض آن هستند. اهداف سزاده‌ی و ارباب با هدف اصلاحی در تناقض است (صانعی، ۱۳۸۸، ص ۶۵۹).

چون عطف توجه به این دو هدف در طول تاریخ حقوق جزا، باعث شده است گرایش به شدت مجازات‌ها از نظر نوع و میزان به وجود آید؛ مانند برقراری و اعمال مجازات‌های شدید و وحشتناکی مانند شقه کردن، زنده‌زنده سوزاندن، ریختن سرب مذاب بر سر و روی مجرمان (ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۴)، انداختن مجرمان به پیش حیوانات درنده مثل مار و سگ، ریختن آب سرد به صورت مستمر بالای سر مجرمین و امثال این‌ها که همواره متداول بوده است و در عین وقت این رویکرد ناقض مبنای (ترجیح قطعیت بر شدت) نیز می‌باشد.

نظر اصلاح و بازپروری در مقابل نظریه سزادهی قرار دارد، زیرا جنبه منفعت‌گرایی دارد و در پی آن است تا در رفتار محکومان تغییر وارد کرده و در راه اصلاح‌پذیری و بهتر شدن آن‌ها ممد واقع گردد (رسولی، ۱۳۹۶، ص ۴۹۸). به نظر می‌رسد، قانون‌گذار کود جزا، این مبنا را در مواردی مدنظر نگرفته و در انتخاب مجازات‌ها از نظر نوع، یا هدف مشخصی را دنبال نکرده است و یا هم‌با تمامیت‌خواهی تام، خواسته به اهداف متعدد متوسل گردد که در نتیجه در بسیار موارد از رسیدن به هدف اصلی نیز بازمانده است. مبحث اول این اثر به ارزیابی احکام عمومی در کود جزا پرداخته و نشان می‌دهد که قانون‌گذار بنا بر تجمیع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی به این مبنا توجه نکرده است. مبحث دوم در بردارنده ارزیابی زمینه جرائم و جزا (فساد اداری) است که در طی ۱۵ گفتار تبیین شده است.

۱. احکام عمومی

این مبحث بیان‌گر ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در بخش احکام عمومی کود جزای افغانستان است. دیده می‌شود که جمع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی در کود جزا از سوی قانون‌گذار در ناسازگاری با این مبنا وضع شده است.

۱-۱. تجمیع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی

تفاوت‌های بارزی میان مجازات‌ها و تدابیر تأمینی وجود دارد؛ درواقع به دلیل ناکارآمدی سیاست جزایی سرکوب‌گرایانه محض برای پیش‌گیری و مبارزه با جرائم و همچنین اصلاح مجرمین و بازگشت مجدد آنان به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، به‌خصوص در مقابل رفتارهای خطرناک، جرم‌شناسان به فکر چاره در این خصوص شدند. نتیجه این تدبیر، پیش‌بینی تدابیر تأمینی در کنار و البته به ادعای جرم‌شناسان جایگزین مجازات‌ها در نظام‌های جزایی شد.

با توجه به تفاوت‌های تدابیر تأمینی و مجازات‌ها مخصوصاً مورد اخیر آن، قاعدتاً اعمال مربوط به این دو باید متفاوت باشد که در کود جزا این مورد رعایت نشده و قانون‌گذار با تمامیت‌خواهی خواسته اهداف متفاوت را در موردی به‌وسیله مجازات و در موردی دیگری به‌وسیله تدابیر تأمینی حاصل نماید.

این مسئله با بیان مواد زیر و ارزیابی آن‌ها روشن خواهد شد:

«جزاهای بدیل حبس عبارت‌اند از دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۵۰). در این ماده به صراحت جزاهای بدیل حبس از لحاظ نوع به ۴ دسته تقسیم شده است که اول آن دوره مراقبت دانسته شده است. در قسمت این که چه اعمالی شامل دوره مراقبت است کود جزا چنین تصریح می‌دارد؛ «دوره مراقبت مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می‌نماید:

۱- اقامت در محل معین ۲- منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین... ۸- منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۵۸). در اجزای ۱، ۲ و ۸ این ماده قانون‌گذار اعمالی را به عنوان مجازات تصریح داشته که در مواد آتی عین اعمال را به عنوان تدابیر تأمینی معرفی می‌کند: «محکمه وقتی به منع محکوم علیه از گشت و گذار در محل معین حکم می‌نماید که بودن وی در آن محل به احتمال قوی سبب تکرار ارتکاب جرم گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۹۳)؛ یعنی دقیقاً عین موردی که جزء ۲- ماده ۱۵۸ به عنوان مجازات بیان گردید و همچنین جز ۱- آن را در ماده بعدی چنین بیان نموده است: «محکمه می‌تواند محکوم علیه به جزای جنبه یا جنایت را علاوه بر جزای اصلی، از رفت و آمد معین منع نماید. در این حالت محکمه وضع شخصی یا اجتماعی محکوم علیه را در نظر می‌گیرد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۹۴).

با دقت در اجزای ۱ و ۲ و ۸ ماده ۱۵۸ و مواد ۹۳ و ۱۹۴، به نظر می‌رسد میان مجازات و تدابیر تأمینی تداخل جدی وجود دارد. به این مفهوم که قانون‌گذار بین جزای بدیل حبس (دوره مراقبت و محرومیت از حقوق اجتماعی) و تدابیر تأمینی فرق نگذاشته و تداخل آشکار را از لحاظ ماهیت و محتوی حکم بین تدابیر تأمینی و انواع جزای بدیل حبس به وجود آورده است. زیرا عین موارد (منع محکوم علیه از اقامت و

گشت‌وگذار در محلات معین، منع اقامت یا تردد و بودن و باش در محلات معین) را یک‌بار جزا شمرده و بار دیگر عین موارد را جزا نه، بلکه تدابیر تأمینی دانسته است. بنابراین، عین موارد به گونه جداگانه و به تکرار در دو بنای حقوقی جداگانه و مختلف پیش‌بینی گردیده است.

هر یک از احکام مورد بحث در فوق، اگرچه نقیض هم نیستند، اما پیش‌بینی آن‌ها با شیوه که توسط قانون‌گذار در دو بنای حقوقی (بدیل حبس و تدابیر تأمینی) گوناگون تصریح شده است، دو حکم به هم متعارض تلقی می‌شوند (فیضی و نوری، ۱۳۹۷، ص ۸۳). حتی اگر از این مورد فراتر برویم، جزء ۴ ماده ۱۶۷ را از لحاظ ماهیت با جزء ۸ ماده ۱۵۸ مقایسه کنیم، میان این دو نیز از لحاظ حکم، تداخل روشن وجود دارد. قانون‌گذار بیان داشته است: «محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم‌علیه را که مستوجب جزای حبس قصیر باشد، برای مدت معین از یک یا بیش از یک حق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس قرار ذیل، محروم کند... ۴- منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین در صورتی که جرم مربوط به شغل وی باشد تا یک سال...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۶۷). در این حکم عین مورد را قانون‌گذار شامل موارد محرومیت از حقوق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس پیش‌بینی نموده است که یک‌بار مشمول موارد دوره مراقبت دانسته بود؛ یعنی عین مورد را تحت دو عنوان تصریح نموده است، در حالی که از لحاظ ماهیت با هم هیچ‌گونه تفاوتی ندارند.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در این مورد مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر را نه تنها در وضع کیفرها به درستی رعایت نکرده است که حتی میان جزا و تدابیر تأمینی نیز خلط کرده است و خواسته اهداف متعدد را با وضع و اعمال مکلفیت واحد (یک‌بار به عنوان جزا و بار دیگر به عنوان تدابیر تأمینی) برآورده سازد که نتیجه آن در نهایت قربانی شدن هدف اصلی خواهد بود. این در حالی است که تدابیر تأمینی را جایگزین مجازات‌ها دانستیم، وقتی جایگزین عین مجازات باشد، مفهوم جایگزین نیز منتفی خواهد شد.

۲. جرائم و جزاها (فساد اداری)

در این مبحث رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در جرائم و جزاها (فساد اداری) طی ۱۵ گفتار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۱. رشوه و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۴، ۳۸۵ و ۳۸۷)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم رشوه به ترتیب مجازات‌های «حبس، طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه،

۱ «(۱) رشوت‌گیرنده با نظر داشت وجه رشوت قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه رشوت تا ده هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۲- در صورتی که وجه رشوت بیش از ده هزار تا بیست هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۳- در صورتی که وجه رشوت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس متوسط از دو تا چهار سال. ۴- در صورتی که وجه رشوت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط. ۵- در صورتی که وجه رشوت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد به حبس طویل تا ده سال. ۶- در صورتی که وجه رشوت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس طویل بیش از ده سال. (۲) هرگاه وجه رشوت پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۷۱).

«(۱) رشوت‌دهنده قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه رشوت تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی پنج برابر وجه رشوت. ۲- در صورتی که وجه رشوت بیش از ده هزار تا بیست هزار افغانی باشد، به جزای نقدی از پنج تا ده برابر وجه رشوت. ۳- در صورتی که وجه رشوت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۴- در صورتی که وجه رشوت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط یک تا سه سال. ۵- در صورتی که وجه رشوت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط سه تا پنج سال. ۶- در صورتی که وجه رشوت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال. (۲) هرگاه وجه رشوت پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۷۲).

«واسطه جرم رشوت به عین مجازات رشوت‌دهنده مندرج این فصل، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۷۴). «هرگاه جرم رشوت توسط رئیس، ممثل یا نماینده قانونی شخص حکمی به نام، حساب یا منفعت شخص حکمی ارتکاب گردیده باشد، شخص حکمی به جزای نقدی ده برابر مقدار رشوت، محکوم می‌گردد. این حکم مانع تطبیق مجازات بر اشخاص حقیقی نمی‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۷۴).

«(۱) هرگاه رشوت‌گیرنده، رشوت‌دهنده یا واسطه رشوت، مأمور ضبط قضایی، خازنوال یا موظف خازنوالی، قاضی یا موظف محکمه، موظفین ادارات حقوق و قضایای دولت، منسوبین نظامی بست جنرالی و کارکنان غیرنظامی بست دوم و بالاتر از آن باشد، مرتکب علاوه بر حداکثر مجازات مندرج این فصل، به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد.

(۲) سایر موظفین خدمات عامه در صورتی به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، محکوم می‌گردند که اندازه رشوت بیش از ده هزار افغانی باشد. (۳) هرگاه مقامات ذیصلاح پیشنهادکننده، شخصی را که مطابق احکام مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده به طرد از مسلک محکوم گردیده، با وجود علم به محکومیت وی، تقرر او را به مقامات ذیصلاح منظور کننده پیشنهاد نماید، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۷۵).

«و جوهی که رشوت‌دهنده یا واسطه رشوت آن را پیشکش یا پرداخت نموده، مصادره می‌گردد، مگر اینکه قبلاً به مقامات مسؤول اطلاع داده باشد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۸۴).

«(۱) رشوت‌دهنده، رشوت‌گیرنده یا واسطه رشوت علاوه بر مجازات مندرج این فصل، به پرداخت جزای نقدی معادل وجه رشوت، نیز محکوم می‌گردد. (۲) در صورتی که موضوع رشوت، پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج این فصل به جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۸۵).

«(۱) حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت از طریق رسانه نشر می‌شود. (۲) هرگاه اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل منفعت مستقیم یا غیر مستقیم مادی یا معنوی حاصل گردیده باشد، منفعت مادی مصادره و منفعت معنوی باطل می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۸۷).

مصادره وجوهی که به عنوان رشوه پیشکش یا پرداخت شده، مجازات نقدی معادل وجه رشوت، نشر محکومیت، مصادره منفعت مادی و ابطال امتیاز معنوی ناشی از جرم رشوت» را در نظر گرفته است.

قانون‌گذار با وضع مجازات‌های چندگانه از نظر نوع، در پی اهداف متفاوت است، چنان‌که در قبل یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات‌های نقدی هدف ارباب بیش‌تر متصور است. با این‌که تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی تا حدی ممکن است، اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است، حتی بعید نیست که یکی دیگری را نفی کند و هدف اصلی به دلیل تمامیت‌خواهی قربانی هدف/اهداف فرعی گردد.

مجازات تکمیلی «مصادره وجوه»، در واقع به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند، ولی در مورد جمع هدف ارباب با هدف متوقع از مجازات حبس مندرج این فصل باید به این نکته توجه کرد که بین اهداف مجازات از حیث قابلیت تجمیع وضعیت یکسانی وجود ندارد و درجه بالایی از بعضی از آن‌ها در کنار هم قابل تحقق هستند؛ مانند تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی. اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۶) که چنین استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره وجوه قابل توجیه پنداشته می‌شود. ولی با به‌کارگیری هم‌زمان مجازات حبس و نقدی در تمامی احکام این فصل، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در جرم رشوت صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

۲-۲. اختلاس و مجازات آن

در طی مواد (۳۹۱، ۳۹۲ و ۳۹۸)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم اختلاس به ترتیب

^۱ موظف خدمات عامه در صورت ارتکاب اختلاس، قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک صد هزار تا پنج صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال. ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس

مجازات‌های «حبس، رد وجوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک» در نظر گرفته شده است.

قانون‌گذار با وضع مجازات اصلی (حبس) از چندگانگی مجازات از نظر نوع، پرهیز کرده و در پی هدف ناتوان‌سازی بوده که اگر وجه اختلاس بیش از یک صد هزار باشد، با وضع مجازات تکمیلی «انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک» مطابق ماده (۳۹۸)، درواقع بازهم دنبال همان هدف ناتوان‌سازی بوده و هدف موردنظر را با شدت بیش‌تر تعقیب نموده است. به این معنی که از یک‌سو مرتکب وقتی از وظیفه منفصل یا از مسلک مطرود می‌گردد درواقع به نحوی ناتوان می‌شود از ارتکاب دوباره همان جرم و از سوی دیگر چون محکوم به حبس می‌شود، قانون‌گذار هدف موردنظر را بیش‌تر تقویت نموده است.

مجازات تکمیلی «مصادره عواید»، درواقع بازهم به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در گفتار رشوت بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

ولی با آن‌هم در مورد استفاده غیرقانونی از وجوه نقدی، این مبنا به‌صورت دقیق لحاظ نشده است «هرگاه موظف خدمات عامه از وجوه نقدی که در اختیار وی قرار دارد، غیرقانونی طوری استفاده نماید که در این فصل پیش‌بینی نگردیده است، به

طویل تا ده سال. ۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس طویل. ۵- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس دوام درجه ۲ (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۱).
موظف مؤسسه غیردولتی، مؤسسه خصوصی یا جمعیت در صورت ارتکاب اختلاس، حسب احوال قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده تا یک صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک صد هزار تا پنج صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال. ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط.

۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۲).

(۱) مرتکب جرائم مندرج این فصل علاوه بر مجازات معینه، به رد وجوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن، نیز محکوم می‌گردد.
(۲) هرگاه وجه اختلاس شده بیش از یک صد هزار افغانی باشد، مرتکب به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک، نیز محکوم می‌گردد.
(۳) هرگاه مقامات ذیصلاح پیشنهادکننده، شخصی را که مطابق احکام مندرج فقره (۲) این ماده به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک محکوم گردیده، با وجود علم به محکومیت وی، تقرر او را به مقامات ذیصلاح منظور کننده پیشنهاد نماید، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۸).

حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۷). در این ماده دیده می‌شود که قانون‌گذار بدون نظر داشت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر، خواسته به نحوی میان اهداف ناشی از مجازات حبس و جزای نقدی جمع نماید که تفصیل آن در بحث رشوت بیان گردید.

۲-۳. سوءاستفاده از نفوذ و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۰۰-۴۰۲)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم سوءاستفاده از نفوذ به ترتیب مجازات‌های «نقدی، بدیل حبس، حبس، انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک، مصادره وجوه و مصادره منفعت مادی و ابطال منفعت معنوی ناشی از آن» را در نظر گرفته است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع مجازات‌های (نقدی، بدیل حبس و حبس) میان حالات ارتکاب جرم تفکیک گذاشته و از چندگانگی مجازات از نظر نوع، برای حالت مشخص و واحد جرم پرهیز کرده که نشان می‌دهد در پی اهداف متفاوت نسبت به حالات متفاوت جرم ارتكابی بوده است. معیار به‌کاررفته در تعیین مجازات

۱ «(۱) شخص مندرج ماده ۳۹۹ این قانون قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد، به بدیل حبس. ۲- در صورتی که ارزش منفعت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۳- در صورتی که ارزش منفعت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال. ۴- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد به حبس متوسط بیش از سه سال. ۵- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط. ۶- هرگاه منفعت، مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، موظف خدمات عامه باشد، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۰) «(۱) تحریک‌کننده به سوءاستفاده از نفوذ قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد، به جزای نقدی دو چند وجه منفعت نامشروع. ۲- در صورتی که ارزش منفعت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به بدیل حبس. ۳- در صورتی که ارزش منفعت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۴- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۵- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال. ۶- هرگاه منفعت، مادی نباشد، مرتکب به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، موظف خدمات عامه باشد، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد. (۳) تحریک‌کننده به مفهوم فقره (۱) این ماده، عبارت از وعده دهنده، پیشنهادکننده، یا اعطاکننده مستقیم یا غیرمستقیم منفعت نامشروع به شخص دارای نفوذ حقیقی یا فرضی به‌منظور سوءاستفاده از نفوذ وی، می‌باشد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۱).

«(۱) وجوهی که تحریک‌کننده جهت استفاده از نفوذ آن را پیشکش یا پرداخت نموده، مصادره می‌گردد، مگر اینکه قبلاً به مقامات مسؤول اطلاع داده باشد. (۲) هرگاه از اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل، منفعت مستقیم یا غیرمستقیم مادی یا معنوی حاصل گردیده باشد، منفعت مادی، مصادره و منفعت معنوی، باطل می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۲).

مرتکب سوءاستفاده از نفوذ یا تحریک‌کننده به آن، اول شامل میزان منفعت تحصیل یا درخواست شده و دوم شامل این که مرتکب موظف خدمات عامه است یا غیر آن، است. در صورت تحقق شرط دوم علاوه بر مجازات‌های مقرر، مرتکب به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد. آنچه در ارتباط به این مجازات‌ها نیاز به غور بیش‌تر دارد تعیین مجازات بدیل حبس طبق (ماده ۴۰۰) برای مرتکب جرم سوءاستفاده از نفوذ در موردی است که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد و طبق (ماده ۴۰۱) در موردی که ارزش منفعت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد. با آن که بدیل‌های حبس یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های کیفرشناسی و آثار مثبتی در عرصه جزایی افغانستان به شمار می‌رود؛ اما به نظر می‌رسد که در موارد خاص مانند مواد شامل بحث در فصل سوم، باب چهارم (سوءاستفاده از نفوذ یا تحریک به آن) رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر تا حدودی دچار تعارض ساخته و مشکلات دیگری نیز به وجود آورده که بحث آن در اثر جداگانه واضح خواهد شد. کود جزا بدیل‌های حبس را قرار ذیل برمی‌شمرد «جزاهای بدیل حبس عبارت‌اند از دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۵۰). در مورد این که جزاهای بدیل حبس در کدام حالات تعیین می‌گردد، چنین حکم وجود دارد «جزاهای بدیل حبس با نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی‌علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۴۹). و در قسمت ساحه تطبیق جزاهای بدیل حبس چنین حکم داریم «(۱) محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حداکثر جزای معین قانونی آن‌ها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید. (۲) محکمه مکلف است دلایل استفاده یا عدم استفاده از جزاهای بدیل حبس را مطابق حکم مندرج فقره (۱) این ماده در حکم خود ذکر نماید. (۳) مرتکبین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریزم، تجاوز جنسی، فساد اداری و مالی و جرائم

نسل‌کشی، ضد بشری، جنگی، تجاوز علیه دولت از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی است» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۱۵۱).

در این ماده دیده می‌شود ضمن این‌که محکمه مکلف است شرایط حکم یا عدم حکم به بدیل حبس را در نظر بگیرد مکلفیت دارد تا آن را در حکم خود نیز تصریح نماید و طیف خاص مجرمین را از این‌که محکوم به بدیل حبس شوند، استثنا می‌سازد. بنابراین بدیل حبس در مواردی است که قانون، جزای اولیه حبس بین سه ماه تا پنج سال، برای یک جرم پیش‌بینی نموده و محکمه بر اساس معیارهای متذکره در ماده (۱۴۹) کود جزا، به جای حبس، مرتکب را به بدیل حبس محکوم می‌نماید. قاعده‌تاً مجازات بدیل حبس برای یک جرم نمی‌تواند مقرر شود (رسولی و دیگران، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۵۷۹)، بلکه بدیل‌های حبس یک انتخاب قاضی به اساس حکم قانون است که برای کاهش موارد اجباری حبس در قانون پیش‌بینی شده است؛ البته در موارد خاص قانون‌گذار می‌تواند مجازات بدیل حبس را به صورت اجباری و بدون این‌که مجازات اولیه را حبس پیش‌بینی نموده باشد مقرر نماید؛ اما بدیل حبس الزامی و اجباری، با رضایت مرتکب به بعضی از بدیل‌های حبس هم‌خوان نیست. بنابراین در صورتی‌که بدیل حبس به صورت الزامی پیش‌بینی شده بود باید نوع و میزان بدیل حبس نیز تعیین می‌شد.

علاوه بر این بارزترین مشکلی که عدم رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در این زمینه به وجود آورده است، تعارض تعیین جزای بدیل حبس مندرج مواد (۴۰۰ و ۴۰۱) با فقره (۳) ماده (۱۵۱) کود جزا است. زیرا در فقره مزبور قانون‌گذار جرائم فساد اداری را از جمله جرایمی دانسته که تعیین جزای بدیل حبس در آن ممنوع بوده و جواز داده نشده است.

به این مهم نیز باید توجه داشت که عدم امکان جمع اصلاح بزهکار با هر یک از اهداف دیگر بارزتر است، به این معنا که برای دستیابی به هدف بازپروری به‌طور قطع باید از جنبه‌های دیگر صرف‌نظر کرد و نمی‌توان هم خواستار اصلاح مجرم بود و هم ارباب یا سزاده‌ی یا ناتوان‌سازی را در نظر داشت (حاجی ده‌آبادی و

سلیمی، ۱۳۹۸، ۱۰۶). بنابراین که هدف مترتب بر بدیل حبس اصلاح و درمان است که به صورت قطعی با هیچ‌یک از اهداف سه‌گانه غیر از آن قابل جمع نیست، نیز به نتیجه فوق می‌توان دست یافت که پذیرش مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در این مورد عملی نبوده است.

مجازات تکمیلی «مصادره وجوه و مصادره منفعت مادی»، درواقع به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در گفتار رشوت بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

۲-۴. سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن

حسب احکام (فقره ۱ ماده ۴۰۳، ماده ۴۰۴، فقره ۱ ماده ۴۰۷، فقره ۲ ماده ۴۰۸، ماده ۴۰۹)،^۱ قانون‌گذار با وضع مجازات (حبس یا جزای نقدی)، مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر را نادیده گرفته است.

قانون‌گذار با وضع مجازات چندگانه از نظر نوع، در پی اهداف متفاوت است.

۱ «(۱) هرگاه موظف خدمات عامه به منظور کسب منفعت نامشروع برای خود یا شخص دیگری برخلاف قانون، عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوءاستفاده از وظیفه گردیده به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، به انفسال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۳).

«هرگاه موظف خدمات عامه به منظور رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوی نزد قاضی به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۴).

«(۱) هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظيفی خود عمداً احکام قوانین یا مقررات، حکم یا قرار و امر محکمه یا اوامر صادره مراجع باصلاحیت حکومت را رعایت ننموده یا تحصیل اموال و مالیاتی را که به حکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۷).

«(۲) هرگاه در نتیجه ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده حیات، صحت و امنیت عامه به خطر مواجه گردد یا اضطراب و فتنه در بین مردم ایجاد شود، هریک از مرتکبین حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا جزای جرم ارتكابی یا هرکدام که بیشتر باشد، محکوم می‌گردند» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۸).

«(۱) هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا مؤسسه غیردولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطوقی، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی، عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص، در اجرای وظایف یا ارائه خدمات یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم، می‌گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی یا مقامات عالی‌رتبه سایر مراجع ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۹).

چنان‌که در قبل یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات نقدی هدف ارباب بیش‌تر متصور است. با این‌که تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی تا حدی ممکن است، اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است، حتی بعید نیست که یکی دیگری را نفی کند و هدف اصلی به دلیل تمامیت‌خواهی، قربانی هدف/اهداف فرعی گردد. با این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در احکام مزبور، مربوط به جرم سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

در بقیه مواد این فصل دیده می‌شود، قانون‌گذار با وضع مجازات اصلی حبس یا جزای نقدی به گونه مستقل در پی تحقق هدف واحد بوده، ولی با آن‌هم مواد ذیل قابل تبصره و ارائه وضاحت است.

انفصال از وظیفه و طرد از مسلک با مجازات حبس کاملاً قابل جمع است و هر دو برای تحقق هدف ناتوان‌سازی سازگاری دارد و همدیگر را تقویت می‌کنند؛ چنان‌که با این اساس قانون‌گذار در مورد امتناع یا تعلل قاضی از اصدار حکم، چنین حکمی را وضع نموده است «هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار حکم امتناع یا تعلل ورزد و یا ثابت گردد که بنا به یکی از اسباب مندرج ماده ۴۰۴ این قانون عمداً فیصله ناهق صادر نموده است، به حبس متوسط و طرد از مسلک، محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۵) و یا هم مثال دیگر آن را در حکم ماده (۴۱۰) تذکر رفته است. اما در مورد تجمیع انفصال از وظیفه و طرد از مسلک با جزای نقدی همان ایرادی پیش می‌آید که بر جمع میان مجازات حبس و جزای نقدی وجود دارد. ولی با آن‌هم قانون‌گذار در مورد مرتکب سوءاستفاده، چنین حکم نموده است: «(۱) هرگاه موظف خدمات عامه به‌منظور کسب منفعت نامشروع برای خود یا شخص دیگری برخلاف قانون، عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوءاستفاده از وظیفه گردیده به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۳).

در این حکم با فرض اول مرتکب به حبس و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک محکوم گردد، در چنین حالت مبنای جمع‌ناپذیری رعایت شده است؛ ولی با فرض دوم مرتکب به جزای نقدی و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک محکوم گردد، چنین محکومیت و چنین وضع حکم با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری ندارد. مورد دیگر از این قبیل در این فصل، حکم وضع مجازات کتمان عضویت در حزب سیاسی است: «هرگاه عضو ستره محکمه، قاضی، سارنوال، منسوب وزارت دفاع ملی، وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی، منسوب نظامی ادارات دارای تشکیلات نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه که به حکم قانون از داشتن عضویت در مدت تصدی وظیفه در حزب سیاسی ممنوع قرار داده شده‌اند، در صورت دارا بودن عضویت حزب سیاسی یا فعالیت به نفع آن و کتمان این موضوع به جزای نقدی یک‌صد هزار تا پنج صد هزار افغانی و عزل از وظیفه، محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ۴۱۵) می‌باشد.

۲-۵. افزایش غیرقانونی دارایی و مجازات آن

در طی مواد (۴۲۰ و ۴۲۱)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم افزایش غیرقانونی دارایی به ترتیب مجازات «حبس، نقدی و مصادره وجوه و دارایی‌های که از اثر ارتکاب این جرم حاصل شده باشد» در نظر گرفته شده است.

قانون‌گذار با وضع مجازات اصلی (حبس) برای مرتکب جرم افزایش غیرقانونی دارایی، از چندگانگی مجازات از نظر نوع، پرهیز کرده و در پی هدف ناتوان‌سازی بوده که اگر دارایی افزایش یافته تا ده میلیون افغانی باشد، حبس قصیر، اگر بیش از ده میلیون تا صد میلیون افغانی باشد، حبس متوسط و در صورتی که دارایی افزایش یافته

۱. مرتکب جرم افزایش غیرقانونی دارایی مندرج فقره (۲) ماده ۴۱۹ این قانون قرار ذیل مجازات می‌گردد:

۱- در صورت افزایش دارایی تا ده میلیون افغانی، به حبس قصیر.

۲- در صورت افزایش دارایی بیش از ده میلیون تا صد میلیون افغانی، به حبس متوسط.

۳- در صورت افزایش دارایی بیش از صد میلیون افغانی، به حبس طویل. (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۲۰)

(۱) هرگاه موظف خدمات عامه معلومات نادرست یا گمراه‌کننده را در فورمه اشاعه دارایی درج نماید، حسب احوال به جزای نقدی از سی هزار تا یک‌صد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۲) وجوه و دارایی‌های که در اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل حاصل گردیده است، به حکم محکمه مصادره می‌گردد. (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۲۰)

بیش از صد میلیون افغانی باشد، برای مرتکب آن حبس طویل مقرر نموده است که هدف ناتوان‌سازی را پیگیر بوده است و نیز با وضع حکم (مجازات نقدی) هدف ارباب را در مورد اشخاصی که معلومات نادرست و گمراه‌کننده را درج برگه ثبت دارایی می‌کنند، تعقیب نموده است. مجازات تکمیلی «مصادره وجوه»، درواقع بازهم دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در گفتار رشوت بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

۲-۶. تزویر

«جعل و تزویر عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر» (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص ۵۲۴). طی مواد (۴۳۶ الی ۴۴۳) مجازات جرم تزویر (حبس) مقرر گردیده که با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری دارد. ولی صرفاً از آن میان در طی ماده (۳۳۲)^۱ و فقره (۱) ماده (۴۴۳)^۲ در بین مجازات حبس و نقدی جمع نموده است. با این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در دو حکم مزبور، صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

۲-۷. اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد

طی مواد (۴۴۵ الی ۴۴۹) مجازات جرم اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه مقرر گردیده است. در ماده (۴۴۵)^۳ مجازات حبس وضع شده که در پی ناتوان‌سازی

۱. «شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری تصدیقی را در مورد اثبات معلولیت برای خود یا برای شخص دیگر به‌منظور تقدیم آن به مراجع ذیصلاح دولتی به‌قصد بهره‌برداری غیر مشروع برای خود یا دیگری بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد». (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۴۲)

۲. «(۱) شخصی که اسناد مزور مندرج مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ این قانون را با وجود علم به تزویری بودن آن استعمال نماید، طوری که آن را به محکمه یا یکی از مراجع ذیصلاح دولتی تقدیم نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۴۳)

۳. «(۱) هرگاه منسوب نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی در راه عام، شاهراه‌ها و سایر محلات از مردم پول، مال یا منفعتی را خلاف قانون تقاضا یا اخذ نمایند، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده توسط سایر اشخاص در سرای‌ها، مارکیت‌ها، مندوی‌ها یا سایر محلات شهری ارتکاب یابد، مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۴۵)

بوده است، در ماده (۴۴۶)^۱ علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، نیز حکم شده که همان هدف ناتوان‌سازی با طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه بیش‌تر تقویت خواهد شد و در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است. ولی بر رغم این احکام، طی مواد (۴۴۷ الی ۴۴۹) میان مجازات حبس و نقدی جمع صورت گرفته است. با این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در حکم این سه ماده صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

۲-۸. انتحال وظایف و القاب

طی مواد (۴۵۳ الی ۴۵۵) مجازات جرم انتحال وظایف و القاب مقرر گردیده است. در مواد (۴۵۳ و ۴۵۴)^۲ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است؛ چنان‌که در قبل یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات نقدی هدف ارباب بیش‌تر متصور است. در ماده (۴۵۵) مجازات نقدی در نظر گرفته شده که در پی هدف مشخص ارباب بوده و در آن گونه‌ای از تمامیت‌خواهی مشاهده نمی‌گردد. به نظر می‌رسد این حکم در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است. ولی در مورد دو حکم قبلی، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

۲-۹. محو یا شکستن مهر

طی مواد (۴۵۶ و ۴۵۷) مجازات جرم محو یا شکستن مهر به صورت مشخص و با در نظر داشت شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس یا مجازات نقدی در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر گردیده است.

۱. «هرگاه موظف خدمات عامه، محکوم‌علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزایی را بر وی تطبیق نماید که به آن حکم نه شده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۴۶).

۲. «شخصی که بدون داشتن صفت مأموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظایف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت‌های مربوط به این وظایف را انجام دهد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

شخصی که بدون داشتن رتبه و استحقاق یونیفورم نظامی را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی نشان و رتبه نظامی را حمل کند، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، مواد ۴۵۳ و ۴۵۴).

۲-۱۰. سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

طی مواد (۴۵۸ الی ۴۶۰) مجازات جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی به صورت مشخص و با در نظر داشت شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس یا مجازات نقدی در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر گردیده است.

۲-۱۱. ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۶۱ الی ۴۶۸) جرم ممانعت از تطبیق عدالت را بیان و مجازات آن را مقرر نموده است که ملاحظات ذیل در مورد مواد (۴۶۴، ۴۶۷ و ۴۶۸)^۱ کود جزا، مطرح می‌گردد.

در مورد ارتکاب جرم ممانعت از تطبیق عدالت به ترتیب مجازات‌های «حبس، نقدی، بدیل حبس و انفصال از وظیفه» در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع مجازات‌های اصلی (حبس، نقدی و بدیل حبس) میان حالات ارتکاب جرم تفکیک گذاشته و از چندگانگی مجازات از نظر نوع، برای حالت مشخص و واحد جرم پرهیز کرده که نشان می‌دهد در پی اهداف متفاوت نسبت به حالات متفاوت جرم ارتكابی بوده است. معیار به کار رفته در تعیین مجازات ممانعت از تطبیق عدالت، اول شامل میزان منفعت تحصیل یا درخواست شده و دوم شامل این که مرتکب موظف خدمات عامه است یا غیر آن، است. در صورت تحقق شرط دوم علاوه بر محکومیت به حداکثر مجازات‌های مقرر، مرتکب به انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

۱. «شخصی که قرار یا حکم مراجع دیصلاح را مبنی بر اتخاذ اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد و یا سایر اسناد و معلومات مرتبط به آن را به شخص یا اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند، افشاء نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۶۴).

«هرگاه جرائم مندرج این فصل توسط موظف خدمات عامه ارتکاب یابد، مرتکب علاوه بر حداکثر مجازات معینه این فصل، به انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۶۷).

«(۱) هرگاه موظف طبی در اثنای معاینات یا مداوی در بدن میت یا مجروح زخم‌های را مشاهده کند که در نتیجه جرم به اورسیده، مرجع دیصلاح را اطلاع ندهد، به بدیل حبس یا جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه موظف طب عدلی از معاینه، ابراز نظر مسکلی یا توضیحات لازم در مورد نتایج معاینات خویش به مرجع دیصلاح عمداً امتناع ورزد یا به درخواست محکمه جهت ارائه توضیحات در جلسه قضایی اشتراک نه نماید، به جزای بدیل حبس، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۶۷).

ولی قانون‌گذار در ماده (۴۶۴) برای مرتکب افشای اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد مجازات حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی در نظر گرفته است.

آنچه در ارتباط به این مجازات‌ها نیاز به غور بیش‌تر دارد تعیین مجازات بدیل حبس یا جزای نقدی پنج هزار تا سی هزار افغانی، طبق ماده (۴۶۸) می‌باشد که تفصیل آن در گفتار سوءاستفاده از نفوذ و مجازات آن، بیان گردید و دریافتیم که بر علاوه سایر مشکلات، جمع هم‌زمان بدیل حبس با مجازات اصلی قطعاً با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری ندارد.

۲-۱۲. پول‌شویی و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۹۸ الی ۵۰۹) جرم پول‌شویی را بیان و مجازات آن را مقرر نموده است که در لابه‌لای این بحث مواردی، مورد ارزیابی و تبیین قرار گرفته است. اولاً میان حبس و جزای نقدی به گونه جمع صورت گرفته که در طی مواد (۴۹۹ و ۵۰۵) به (حبس یا جزای نقدی)، در طی مواد (۵۰۱، ۵۰۳ و ۵۰۶)^۲ به «حبس یا

۱. «شخصی که مبلغ بیش از حد تعیین شده در سند تقنینی مربوط را به شکل نقد یا سند قابل معامله بی اسم با خود به صورت غیرقانونی به کشور داخل یا خارج نماید یا ذریعه ارسال پستی، قاصد، شرکت‌های حمل و نقل بار و کالا و سایر اشکال، وارد و یا صادر نماید و در مورد مقدار، منشأ، هدف یا استفاده از انتقال پول یا سند قابل معامله بی اسم سند ارائه کرده نتواند، مرتکب علاوه بر مصادره مبلغ مذکور به مجازات ذیل، نیز محکوم می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۴۹۹).

«شخصی که مبلغ بیش از حد تعیین شده در سند تقنینی مربوط را به شکل نقد یا سند قابل معامله بی اسم با خود به صورت غیرقانونی به کشور داخل یا خارج نماید یا ذریعه ارسال پستی، قاصد، شرکت‌های حمل و نقل بار و کالا و سایر اشکال، وارد و یا صادر نماید و در مورد مقدار، منشأ، هدف یا استفاده از انتقال پول یا سند قابل معامله بی اسم سند ارائه کرده نتواند، مرتکب علاوه بر مصادره مبلغ مذکور به مجازات ذیل، نیز محکوم می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۵۰۵).

۲. «(۱) هرگاه مؤظف مرجع راپوردهنده، راپور معامله مشکوک را به مراجع مربوط اطلاع ندهد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا محکوم می‌گردد...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۵۰۱) (۱) هرگاه مؤظف مرجع راپوردهنده مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا محکوم می‌گردد: «...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۵۰۳).

«شخصی که پول، اسناد بهادار بدون اسم یا فلزات یا احجار قیمتی را که با جرم پول‌شویی، جرم تمویل تروریزم یا جرائم اصلی مرتبط بوده و سند تقنینی مربوط در رابطه به ضبط، انجماد یا مصادره آن‌ها حکم نموده باشد، آن‌ها را پنهان یا خلاف حقیقت وانمود یا انتقال دهد، قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی سی هزار تا شصت هزار افغانی یا به هر دو جزا...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۵۰۶).

جزای نقدی یا هردو» و در طی مواد (۵۰۴ و ۵۰۸) به «حبس و جزای نقدی به صورت مطلقاً توأم» حکم و مجازات وضع شده است و به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در احکام مزبور، مربوط به جرم پول‌شویی و مجازات آن صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

ثانیاً در طی ماده (۵۰۹)^۱ به مصادره وجوه، دارایی و منفعت حاصله حکم شده است که این مجازات به گونه تکمیلی با مجازات اصلی (حبس یا جزای نقدی یا هردو به صورت توأم) تطبیق خواهد شد و با توجه به تفصیلی که در گفتار رشوت پیرامون این موضوع بیان گردید، استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره وجوه قابل توجیه پنداشته می‌شود.

۲-۱۳. غصب زمین و اموال غیرمنقول

قانون‌گذار طی مواد (۷۱۶، ۷۱۸ و ۷۱۹) مجازات جرم غصب زمین و اموال غیرمنقول به صورت مشخص و با در نظر داشت شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس را در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر نموده است.

۲-۱۴. جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی

طی مواد (۷۳۱ الی ۷۴۱) جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی و مجازات آن بیان گردیده است که در تمامی موارد قانون‌گذار با وضع مجازات حبس از تمامیت خواهی کور پرهیز کرده و هدف واحدی را دنبال کرده است. به نظر می‌رسد این احکام در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است.

ولی با آن‌هم از این میان صرفاً در فقره (۲) ماده (۷۳۶)^۲ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است. در ماده (۷۴۱)^۳ به جبران خسارت وارده بر اثر تاریخی یا فرهنگی

۱. «(۱) وجوه و دارایی‌های ذیل در صورت محکومیت شخص به ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم پول‌شویی، تمویل تروریزم یا جرم اصلی، از طرف محکمه ذیصلاح مصادره می‌گردد: ...» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۵۰۹).

۲. «... شخصی که اثر تاریخی یا فرهنگی را که ورود آن به افغانستان ممنوع باشد، به کشور وارد نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۷۳۶).

۳. شخصی که مرتکب یکی از جرایم مندرج این فصل گردد، علاوه بر مجازات مندرج در این فصل به رد عین اثر و در صورت اتلاف یا وارد نمودن ضرر، خساره یا نقص، به جبران خساره، نیز محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۷۴۱).

حکم شده که به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع این حکم در پی هدف ارباب است که از آنچه در گفتار رشوت بیان شد، به نظر می‌رسد استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با جبران خسارت وارده بر اثر تاریخی یا فرهنگی قابل توجیه است.

۲-۱۵. جرائم علیه معادن، نفت و گاز

طی مواد (۷۸۷ الی ۷۹۴) جرائم علیه معادن، نفت و گاز و مجازات آن بیان گردیده است که در تمامی موارد قانون‌گذار با وضع مجازات حبس از تمامیت خواهی‌های نامطلوب پرهیز کرده و با وضع مجازات در پی تحقق ناتوان‌سازی بوده که هدف واحدی را دنبال کرده است. به نظر می‌رسد این احکام در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است.

ولی با آن‌هم از این میان صرفاً در ماده (۷۹۳)^۱ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است؛ چنان‌که در قبل تذکر یافت، با مجازات حبس، هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات نقدی هدف ارباب بیش‌تر متصور است. در فقرات (۲ و ۳) ماده (۷۸۸)^۲ به استرداد معدن استخراج‌شده و در صورت عدم موجودیت آن، به تأدیة قیمت آن، همچنان به جبران خسارت عائده به ساحه معدن از اثر استخراج، حکم شده که از آن بیش‌تر هدف ارباب متصور است، چون از جمله مجازات‌های مالی به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

در این اثر مبنای «جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر» معیار ارزیابی کیفرگذاری در کود جزا، قرار داده شده است.

۱. «شخصی که در ساحه تثبیت‌شده معادن و منابع نفت و گاز ملکیت عامه، به‌صورت غیرقانونی ساختمان اعمار یا تأسیسات استخراج معدن را نصب نماید، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از یک صدویست هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۷۹۳).

۲. «(۲) مواد مندرج فقره (۱) این ماده استرداد و در صورت عدم موجودیت آن، مرتکب به تأدیة قیمت آن، محکوم می‌گردد. (۳) هرگاه از اثر استخراج غیرقانونی، ساحه معدن، مواد نفت و گاز یا زیربناهای آن‌ها تخریب شده باشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج در این فصل، به جبران خساره عائده، نیز محکوم می‌گردد» (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶، ماده ۷۸۸).

جمع اهداف کیفر با یکدیگر به صورت کامل در یک یا چندگونه از مجازات امری است که در عمل امکان تحقق ندارد. قانون‌گذار کود جزا، این مبنا را در مواردی مدنظر نگرفته و در انتخاب مجازات‌ها از نظر نوع، یا هدف مشخصی را دنبال نکرده و باهم با تمامیت‌خواهی تام، خواسته به اهداف متعدد متوسل گردد که در نتیجه در بسیار موارد از رسیدن به هدف اصلی نیز بازمانده است که شامل احکام عمومی و جرائم و مجازات‌ها می‌باشد.

بررسی نشان می‌دهد که در مبحث احکام عمومی «تجمیع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی» با تحقق کامل این مبنا سازگار نیست.

ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در مبحث جرائم و جزاها (فساد اداری)، نشان می‌دهد که این مبنا در فصول جرائم مربوط به محو یا شکستن مهر، سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی و غصب زمین و اموال غیرمنقول رعایت گردیده ولی در فصول مربوطه جرائم رشوت، اختلاس، جرم سوءاستفاده از نفوذ و مجازات آن، سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن، افزایش غیرقانونی دارایی و مجازات آن، تزویر، اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد، انتحال وظایف و القاب، ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن، پول‌شویی و مجازات آن، جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی و جرائم علیه معادن، نفت و گاز از جانب قانون‌گذار رعایت نشده و متروک گذاشته شده است.

حتی در فصول مربوط به جرائم ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن و سوءاستفاده از نفوذ بدیل حبس را که به منظور تحقق هدف اصلاحی وضع می‌گردد و قابلیت جمع با هیچ‌یک از اهداف دیگر را ندارد با سایر اهداف جمع نموده است.

منابع و مآخذ

۱. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و احسان سلیمی، (۱۳۹۸)، مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدمند، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۹.
۲. دویت، اندریو مک و عزت‌الله ادیب، (۱۴۰۰)، سروی ملی فساد، دیدبان شفافیت افغانستان، گزارش سروی ملی فساد سال ۱۳۹۹.
۳. رسولی، محمد اشرف و دیگران، (۱۳۹۸)، شرح کود جزا، ج ۲، کابل: بنیاد آسیا.
۴. رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۶)، دوره کامل حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، کابل: نشر واژه.
۵. صانعی، پرویز، (۱۳۸۸)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
۶. فیضی، فیض‌الله و فریداحمد نوری، (۱۳۹۷)، نقد و بررسی تطبیقی و اصلاحی بر کود جزای افغانستان، کابل، فصلنامه علمی پژوهشی رنا، دوره اول، ضمیمه شماره ۱۱.
۷. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۸. میرزایی مقدم، مرتضی، (۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیش‌گیری از جرم، فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶.
۹. وزارت عدلیه، (۱۳۹۶)، کود جزا، کابل، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۶۰.
۱۰. وزارت عدلیه، (۱۳۹۷)، قانون مبارزه با فساد اداری، کابل، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۳۱۴.
۱۱. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: نشر انتشارات خورشید.